

منازعات خانوادگی در میان زوج‌های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

رامین مرادی^۱

محمد نوریان نجف‌آبادی^۲



10.22034/ssvs.2022.2539.2836

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۵

یکی از مسائل مهم و قابل توجه در مناسبات خانوادگی در میان زوج‌های جوان، وجود تنش و منازعه است. این تحقیق به دنبال بررسی وضعیت منازعات زناشویی میان زوج‌های جوان و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در بین خانواده‌هاست. پژوهش حاضر به صورت کمی و با روش پیمایشی به انجام رسید. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده گردید. با توجه به این که این تحقیق پیرامون زوجین دارای منازعه بوده است، تعداد ۶۰ زوج (۱۲۰ نفر) که در نیمه اول سال ۱۴۰۰ به اداره بهزیستی شهرستان نجف‌آباد مراجعه کرده بودند به صورت تمام شمار مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام شد و داده‌های توصیفی در قالب جداول توصیفی و ماتریس همبستگی و داده‌های استنباطی با استفاده از مدل معادله ساختاری ارائه گردیده است. برای پاسخ به پرسش پژوهش، ابتدا مفهوم منازعات در قالب چهار بعد روانی، جسمی، جنسی و مالی مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نظریات مختلف در حوزه علوم اجتماعی عواملی چون: مردسالاری، فردگرایی، ارزش‌های سنتی و مدرن و نبود مهارت حل منازعه به عنوان متغیرهای مستقل مشخص گردید.

نتایج تحقیق نشان داد از میان ابعاد چهارگانه منازعات زناشویی، بیشترین تاثیر ناشی از بعد منازعات روانی بود و در حوزه متغیرهای مستقل بیشترین تاثیر مربوط به فردگرایی و هم چنین تفاوت در ارزش‌های فرهنگی زوجین بود. برخی از ابعاد خاص (مانند منازعات روانی) می‌تواند میزان اثرگذاری برخی دیگر از ابعاد- مانند بعد جنسی- را به شدت کاهش دهند. همچنین آشکار شد که نبود مهارت حل منازعه نقش مهمی در بروز این منازعات دارد. ضمن آنکه با تغییر شرایط فرهنگی، نوعی تغییر ایجاد می‌شود که این تغییرات به موازات ضعف ارتباطات میان فردی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجب می‌شود سطح منازعات در خانواده افزایش یابد و تبدیل به بحران و تهدید بنیان خانواده شود.

واژگان کلیدی: زوج‌های جوان، منازعات زناشویی، فردگرایی، ارزش‌های مدرن، ارزش‌های سنتی و مردسالاری.

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Rmoradi@yu.ac.ir

^۲ دکترای جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی تحولات زیادی را به خود دیده است. هر چند دگرگونی‌های زندگی بشری از قرن نوزدهم به بعد به‌خصوص تقسیم کار گسترده سبب تضعیف برخی کارکردهای خانواده شده است، با وجود این هنوز هم خانواده کارکردهای حداقلی خود نظیر تداوم نسل، تأمین نیازهای عاطفی و تا حدودی جامعه‌پذیری کودکان را حفظ کرده است (مرادی، ۱۴۰۰: ۲۲۴). از منظر پژوهشگران، خانواده در ایران به‌عنوان اصلی‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه شناخته می‌شود و نشان‌دهنده غلبه روح جمعی می‌باشد- این مسئله در حالی است که در سایر جوامع شاهد چیرگی فردگرایی می‌باشیم. با توجه به غلبه نگاه خانواده‌محور در جامعه ایرانی سعی شده است در تولیدات فرهنگی، تربیون‌های رسمی، برنامه‌ریزی‌های کلان نظیر برنامه‌های توسعه و... بر کانونی بودن نقش خانواده در حیات اجتماعی ایران تأکید شود. دانشمندان علوم اجتماعی انتظار دارند نهاد خانواده از عهده کارکردهایی متعدد خود (تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تأمین پایگاه اجتماعی برای افراد خانواده، کنترل اجتماعی شامل کنترل همسران و فرزندان، کارکردهای اقتصادی و ...) برآید (ساروخانی، ۱۳۹۰).

با وجود توجه و تأکید و حتی تلاش برای آرمانی جلوه دادن زندگی خانوادگی- در تمایز با سایر اشکال نوظهور هم‌باشی- در ایران، این نهاد در معرض دگرگونی و تغییر قرار گرفته و تا حد زیادی از وجه آرمانی و ایده‌آل خود فاصله گرفته است. با ورود و ظهور اشکال مختلف هنجارها و منابع شکل‌بخشی هویتی به جامعه ایران، نسل جوان به عنوان بخش مهم جامعه که در معرض پیدایی هویتی قرار داشت، منابع هویت‌بخشی خود را نسبت به نسل‌های قبل تغییر داده و این تغییرات به‌طور مشخص در روابط زوجین جوان به‌عنوان بنیاد خانواده جدید ایرانی نمایان شده است. افزایش آمارهای طلاق، خشونت‌های خانگی، خانواده‌های گسسته، طرح و پذیرش پدیده طلاق عاطفی، و... جلوه‌هایی از این تغییر هستند که نشانه‌هایی از اختلال در روابط زوجین می‌باشند. در جوامع غربی این روند تغییر که حداقل طی ۴۰ سال گذشته وجود داشته است، امروزه منجر به ظهور خانواده‌های تک والدینی شده است (کاستلز، ۱۳۹۰: ۴۰). تحقیقات مختلفی در جهان، وجود و افزایش اختلافات زناشویی (توماس ۲۰۱۳، سلینجر^۱ و همکاران، ۲۰۲۰، سلینجر و ویزمن^۲، ۲۰۲۱) را تصدیق می‌کنند. این فرآیندهای تغییر و تحول در قالب مفاهیمی همچون: سنت- مدرنیته، جامعه سنتی- مدرن و گذر از سنت به مدرنیته، به صورت نظری و تحلیل، تبیین می‌شود و به‌صورت گسترده در این چهارچوب‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما شرایط فرهنگی جامعه ایران، امکان ترسیم تصویر واقعی و دقیقی از این وضعیت را نمی‌دهد. وجود تابوها و معذوریت‌های ارزشی باعث شده که زوج‌های جوان به‌صورت کج‌دار و مریز به زیست خانوادگی ادامه دهند، در حالی که روابط پرتنش آن‌ها منشأ مشکلات بسیاری است که خشونت خانگی و در نهایت طلاق، از آثار و نشانه‌های عینی آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو، تلاش برای مطالعه و

¹Salinger

²Whisman

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

پژوهش این بعد از مناسبات خانوادگی، می تواند زمینه توجه به ریشه های این منازعات را روشن نماید و مسیر تغییر وضعیت و کمک به حل این قبیل منازعات را مهیا کند.

در این پژوهش تلاش می شود به بررسی وضعیت منازعات زوج های جوان شهر نجف آباد پرداخته شود. بررسی برخی آمارهای موجود نشان می دهد که در شهر نجف آباد در سال ۱۳۹۶ تعداد ۶۶۲ زوج، در سال ۱۳۹۷ تعداد ۶۸۰، در سال ۱۳۹۸ تعداد ۷۱۲ و در نه ماهه اول ۱۳۹۹ تعداد ۷۵۷ زوج به دلیل منازعات به اورژانس اجتماعی بهزیستی نجف آباد مراجعه نموده اند (آمار آسیب های اجتماعی بهزیستی، ۱۳۹۹). چنین آمارهایی از این نظر حائز اهمیت هستند که این تعداد از زوج های جوان، نتوانسته اند منازعه خود را پنهان نگه دارند و آن را به عرصه ای خارج از خانواده کشانده اند که این امر می تواند نشانه ای بر وجود گسترده اما پنهان این پدیده باشد. محققان در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستند:

گونه های تعارض در درون خانواده ها کدام اند و این تعارضات از کجا نشأت می گیرند؟

در زمینه عوامل موثر بر منازعات زناشویی تحقیقات مختلفی در داخل و خارج کشور انجام شده که در این بخش به برخی از آنها اشاره می گردد:

دیلاتره واگنر^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «مدیریت تعارضات زناشویی زنان و مردان متأهل» در بین ۷۵۰ زوج در ریو گراند دو سول برزیل دریافتند که عوامل زمینه ای برجسته در مدیریت تعارضات زناشویی عبارت بودند از: دینداری، طول رابطه، اهداف مشترک، حمایت اجتماعی، ثبات روابط و انعطاف پذیری شرکا.

اوبری^۲ همیلتون (۲۰۱۳) دریافتند که بین عوامل محیطی چون شادی، رضایت، تقسیم عادلانه کارهای منزل و منصفانه پول خرج کردن و تعارض زناشویی ارتباط وجود دارد. زوجینی که رضایت کمتری دارند و شاد نیستند، احتمال بیشتری برای تعارض بین آنها وجود دارد. این در حالی است که زوجینی که شاد و راضی از ازدواج خود هستند، بیشتر با یکدیگر وقت می گذرانند و در رابطه زناشویی، چگونگی پول خرج کردن و کارهای منزل کمتر دچار اختلاف و تعارض می شوند.

هاوکنز و همکاران^۳ (۲۰۱۲) با مطالعه ۸۸۶ زوج که تعارضات آنها منجر به طلاق شده بود به این نتایج دست یافتند که شش عامل اساسی در بروز تعارضات و در نهایت طلاق نقش دارند: پیشرفت یکی بدون پیشرفت دیگری، عدم برقراری ارتباط مؤثر با یکدیگر، مشکلات اقتصادی، خیانت، مشکلات شخصیتی و عدم توجه کافی.

هوشمندی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر علل تعارضات زناشویی در دو دهه اخیر (یک مرور نظام مند) انجام دادند. جامعه آماری مقالات علمی پژوهشی، پایان نامه ها و طرح های پژوهشی مرتبط با تعارضات زناشویی بود که در دو دهه اخیر (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ و ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹). انجام شده بودند. یافته ها نشان داد عمده ترین علل تعارضات زناشویی عبارت اند از: ۱- مشکلات مالی (۷/۷۴ درصد)؛ ۲- دخالت خانواده ها و اطرافیان (۷/۲۰

¹ Zanella Delatorre and Adriana Wagner

² Auberry

³ Hawkins et al.

درصد) ۳- خشونت جسمانی و کلامی (۶/۱۴ درصد) ۴- ضعف مهارت‌های ارتباط و حل مسئله (۵/۶ درصد) ۵- مشکلات جنسی (۴/۸ درصد).

فرهمند و توانگر (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه پویایی هویت زنانه و تعارضات زناشویی (مورد مطالعه: زنان ساکن یزد)» دریافتند بیشترین تعارضات زناشویی در ابعاد تعارض ارتباطی و امور مالی است. داده‌ها همچنین نشان داد میان دو متغیر پویایی هویت زنانه و تعارضات زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که با پویاتر شدن ابعاد هویت زنانه و تغییر هویت سنتی به هویت مدرن، تعارضات زناشویی نیز افزایش می‌یابد. در ابعاد سه‌گانه هویت زنانه نیز داده‌ها نشان داد هویت‌های جنسیتی، نقشی، شخصی و مدرن در مقایسه با ابعاد سه‌گانه هویت سنتی زنان با تعارضات زناشویی رابطه بیشتر و مثبتی دارند. از دیگر نتایج پژوهش حاضر این است که تعارضات زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است و تعارضات زناشویی با افزایش تحصیلات کاهش می‌یابد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری برای ارزیابی الگوی پژوهش نیز نشان داد الگوی پژوهش به طور کلی برازش مطلوبی دارد. بابایی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی» انجام داد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان مراجعه‌کننده به سازمان پزشکی قانونی شهر ساری در نیمه اول سال ۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند. یافته‌ها نشان داد زنانی که از طرحواره‌های جنسی مثبت، عملکرد جنسی بالا و رضایت جنسی بالایی برخوردارند، تعارضات زناشویی پایین‌تری را تجربه می‌کنند.

بالایی و همکاران (۱۳۹۵) طی تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر تضاد نقش‌های زنان و رابطه آن با تعارضات خانوادگی در شهر همدان» دریافتند که جامعه‌پذیری جنسیتی با ابعاد تقسیم کار جنسیتی، نقش مادری، نوع نگرش زن و شوهر به اشتغال زنان و همچنین میزان باورمندی زنان به کلیشه‌های جنسیتی، رابطه مثبت و مستقیم با تجربه تضاد نقش در زنان دارد.

مسعودی اصل و راد (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز» دریافتند ناسازگاری زناشویی توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پابندی‌های مذهبی و پایگاه اجتماعی (پایین) تبیین می‌شود.

یافته‌های تحقیق توسلی و طاهری (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اختلاف‌ها و تعارضات اقتصادی زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران» حاکی از آن است که بین تقسیم کار در خانواده، نگرش نسبت به اشتغال زن و عرف مذهبی و هزینه‌ها، افزایش میزان حمایت خانوادگی و افزایش درآمد با اختلافات اقتصادی زندگی زناشویی در دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی بین مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان و اختلافات اقتصادی زندگی زناشویی در میان زنان غیرشاغل، رابطه معناداری وجود دارد. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلافات اقتصادی زندگی زناشویی زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار است.

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

رازقی و اسلامی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی علت های تعارض در خانواده» دریافتند که تفاوت های فردی و اجتماعی، دخالت اطرافیان، نبود مهارت های ارتباطی، مسائل اقتصادی، برآورده نشدن نیازها و نارضایتی در روابط عاطفی و زناشویی از جمله شرایط و علل اصلی در بروز تعارض خانوادگی هستند. همچنین پیامد چنین تعارض هایی به درگیری لفظی و جسمی، کاهش سرمایه اجتماعی و در نهایت بی اعتنایی و طلاق عاطفی منجر خواهد شد.

با توجه به مطالعاتی که در بخش قبل به آنها اشاره شد، می توان گفت که هریک به بخش یا قسمتی محدود از متغیرهای اثرگذار بر منازعه زوجین پرداخته اند؛ به طوری که گونه شناسی مشخصی از این قبیل منازعات و ریشه های آنها ارائه نداده بودند. نکته دیگر اینکه بیشتر تحقیقات مرور شده به متغیرهای خرد و زمینه ای پرداخته بودند و به سطح عوامل ساختاری توجه چندانی نکرده بودند. در این پژوهش بنا بر آن است که گونه های تعارض بین زوجین شناسایی و احصا شوند- ضمن آن که به سطوح خرد و کلان برآمدن این تعارضات نیز توجه گردد.

مروری بر ادبیات نظری تحقیق

مفهوم «تعارض خانوادگی»^۱ مفهومی است که اغلب با مفاهیم دیگری همچون بی ثباتی زناشویی، طلاق و... یکسان انگاشته می شود. در حالی که می توان چندین ویژگی خاص برای تعارضات خانوادگی بیان داشت؛ از جمله اینکه تعارضات خانوادگی به صورت تنش در روابط زن و شوهر یا خانواده باقی می ماند و کمتر مورد توجه قرار می گیرد و یا اختلاف نظر و سلیقه که لزوماً نمی توان آن را به عنوان یک نوع درگیری خانوادگی شناخت. یکی دیگر از ویژگی های تعارضات خانوادگی این است که با اینکه این تعارضات و تضادها در درون خانواده وجود دارد، اما اغلب ازدواج ها پایدار است (کلر هالز و ویدمر^۲، ۲۰۱۶: ۱).

از این رو می توان تعارضات خانوادگی را به عنوان رابطه ای مورد بررسی قرار داد که حاصل تنش های آشکار و پنهان و ناشی از دشواری اعضای خانواده در تعریف وضعیت خود می باشد. این دشواری ها حاصل اهداف و منابع و همچنین ساختارهای سازمانی متفاوت برای دستیابی به اهداف فردی و یا حفاظت از منافع است (کلر هالز و ویدمر و لوی^۳، ۲۰۰۳).

وقتی از تعارضات درون خانواده صحبت به میان می آید، بیان ننده این مطلب است که میان زن و شوهر به واسطه مسائل مختلف نوعی کشمکش و تعارض به وجود آمده باشد. این کشمکش و تعارض از زاویه نگاه زنان حداقل به چهار دلیل ایجاد می گردد:

- ۱- منازعات مادی مبنی بر تقسیم کار درون خانواده بر مبنای جنسیت: اولین دلیل بیان کننده این نکته است که زنان نقش صرفاً خانه داری و تربیت فرزندان را به عهده دارند و از این رو مسئله ای که ایجاد می شود بحث استقلال مالی است. زن در چنین حالتی به مرد وابستگی تام دارد و در موضع ضعف در درون خانواده قرار می گیرد.

¹family conflict

² Kellerhals and Widmer

³ Levy

- ۲- زن به عنوان «سنگ صبور خانواده» شناخته می‌شود و از این رو هیچ انتظاری برای ابراز احساسات و عواطف او در خانواده نمی‌رود، بلکه باید در مقابل ابزار احساسات و عواطف دیگر افراد خانواده از خود واکنش همدلانه نشان دهد.
- ۳- تفاوت بدنی زن و مرد و همچنین تفاوت مالی این دو موجب می‌شود که سطح فعالیت اجتماعی زنان به شدت کاهش یابد و حتی با خشنونت کلامی و فیزیکی مرد نیز مواجه شود.
- ۴- در حوزه نیازهای جنسی نیز این انتظار از زن می‌رود که به خواسته‌های شوهر در زمینه جنسی و فرزندآوری توجه نماید- از هوس‌های مردانه تبعیت نماید و از خواسته‌های خود در این زمینه چشم‌پوشی کند (آبوت و والاس، ۱۳۹۹: ۱۱۹-۱۲۱).

نظریه آنومی و منازعات

شاید بتوان به صورت کلان دورکیم را از جامعه‌شناسانی دانست که پیرامون منازعات در سطح برخی از دیدگاه‌های خود به صورت غیرمستقیم به بحث و بررسی پرداخته است. مفهوم کانونی نظریه دورکیم پیرامون مسائل اجتماعی، مفهوم آنومی می‌باشد. آنومی براساس نظر یکی از دورکیم‌پژوهان به معنای نبودن همراهی با قواعد اخلاقی است (استفان و لورنز^۱، ۲۰۰۸).

مکانیزم عمل آنومی را می‌توان به این صورت توضیح و تبیین نمود که با ضعیف شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سطوح آن زمینه‌های دیگری شکل می‌گیرند که امکان کج رفتاری را پدید می‌آورند. دورکیم معتقد است که اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، اقتدار اخلاقی در صورتی اعتبار خواهد داشت که برای افرادی که درگیر فعالیت در جامعه همواره در حال تغییر و تحول هستند، با معنی باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی گردند که با استعدادهای-شان مطابقت نداشته باشد وضعیت آنومیک پیش می‌آید (دورکیم، ۱۳۹۸: ۳۹۷-۳۹۶). نتیجه این مکانیسم، ایجاد فرآیند فردگرایی مفرط است. دورکیم در نظریه خود معتقد است اخلاق می‌تواند جنبه افراطی فردگرایی را که به صورت بیمارگونه خود را نشان می‌دهد، بگیرد (له مان، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

این فردگرایی مفرط حاصل نیازهای نامحدود افراد است. از این رو، دورکیم در توضیح خود اشاره می‌کند که نه در سرشت اندامی و نه در سرشت روانی انسان، نشانه‌ای که حاکی از محدودیت این نیازها باشد، نمی‌توان پیدا کرد.... در نتیجه تا اندازه‌ای که آن‌ها به خود فرد وابسته هستند، غیرمحدود می‌باشند. صرف‌نظر از هر نیروی تنظیم‌کننده بیرونی، ظرفیت و توانایی و حساسیت‌شان در خود به مثابه یک گودال بی انتهاست که هیچ چیز نمی‌تواند آن را پر کند (دورکیم، ۱۳۸۷: ۲۹۱). برداشت دورکیم از آنومی مستقیماً با نوعی خاص از فردگرایی ارتباط پیدا می‌کند که دارای بیش سودباورانه و خودخواهانه است. از این رو، تعلق اجتماعی فرد نسبت به جامعه و منافع جمعی رو به نقصان می‌رود و زمینه ساز آنومی می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۷: ۴۱۱).

¹Stephan and Lorenzo

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

هر چند در نگاه اول بحث آنومی و متغیرهایی که دورکیم در مورد آن به بحث پرداخته است، به بحث منازعات ارتباط پیدا نمی کند، اما می توان عنصر فردگرایی مفرط و تمایلات مادی گرایانه را از عواملی دانست که در نظام فرهنگی خانواده در دوران معاصر موجب ایجاد منازعات می شود. به بیان دیگر، غالب شدن نگاه مادی و فردی در زندگی میان دو نفر و متغیرهای زمینه ای همچون: وضعیت اشتغال، میزان درآمد، میزان تحصیلات و غلبه نگاه مصرفی در زندگی موجب خواهد شد که سطح منازعات به واسطه این عوامل افزایش یابد.

نظریه تغییر ارزشی و منازعات

یکی دیگر از دلایل ایجاد منازعات در درون خانواده را می توان تغییر در نظام ارزشی حاکم بر جامعه دانست؛ تحولی که طی آن ارزش های سنتی و جمع گرایانه تبدیل به ارزش های مفرد فردی می شود. به تعبیر زیمل، عمیق ترین مسائل زندگی مدرن، تلاش برای حفظ استقلال و فردیت در برابر نیروهای سلطه گر جامعه و به صورت خاص میراث تاریخی و فرهنگی و تکنیک های خارجی زندگی است (زیمل، ۱۳۹۹: ۴۹۳). بر اساس همین نکته است که زیمل معتقد شده ذهن مدرن (انسان مدرن) هر چه بیش تر ذهنی حسابگر شده است؛ دقت حسابگرانه زندگی عملی که از اقتصادی پولی نتیجه شده و این اقتصاد پولی بوده است که به این ترتیب زندگی روزانه مردم بسیاری را با سنجیدن، محاسبه کردن، شمردن و تنزل ارزش های کیفی به اصطلاحات کمی پر کرده است (زیمل، ۱۳۹۹: ۴۹۷). مفهوم مادی شده زندگی مدرن در نظرات معاصر در نزد اینگلهارت توسعه بسیاری یافته است. از نظر اینگلهارت تغییر (در ساحت زندگی انسان ها) امری تدریجی است که بازتاب تغییر در تجارب نسل های قدیم و جدیدتر است. وقتی نسل جوان تر به تدریج جانشین نسل قدیم می شود، دیدگاه مسلط این جوامع نیز دگرگون می شود. این تغییر بر اساس دو فرصیه بنا شده است:

- ۱- **فرضیه کمیابی:** اولویت های فرد بازتاب فضای اجتماعی اقتصادی است. ارزش های ذهنی مردم به اموری تعلق می گیرد که عرضه نسبتاً کوتاهی دارد. در دوره ای که بقای مادی مهم است، ارزش ها هم حول همین منابع کمیاب شکل می گیرد (اینگلهارت: ۱۹۹۷: ۱۵).
- ۲- **فرضیه جامعه پذیری:** رابطه فضای اجتماعی اقتصادی و اولویت های ارزشی بلافصل نیست. باید نسلی بگذرد تا تغییرات ارزشی با تغییرات اجتماعی اقتصادی هماهنگ شود. بنابراین نسل جوان تجربیاتی پیدا می کند که در اختیار نسل گذشته نبود (اینگلهارت: ۱۹۹۷: ۱۸).

بر اساس این دو فرض می توان گفت در جوامع ماقبل صنعتی، نظم اخلاقی معمولاً شکل می گیرد (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۵۴). در جوامع سنتی این هنجارها کارکردهای حیاتی دارند. برای اینکه اطاعت و پیروی از این هنجارها، حتی در مواجهه با وسوسه های شدید نافرمانی، به اندازه کافی الزام آور و اجباری باشد، این هنجارها بسان ارزش های مطلق و معمولاً همچون قوانین الهی تلقین می شوند.

¹Inglhart

در جوامع کشاورزی که نسبتاً غیرمتغیر هستند این هنجارها عملی و قابل اجرا می‌باشند، اما برای تطبیق با یک محیط بسیار متغیر ارزش‌های مطلق ذاتا خشک و سخت می‌باشند. متفکران مکتب نوسازی معتقدند که برای تحقق نوسازی حداقل لازم بود که بعضی از مولفه‌های نظام ارزشی سنتی در هم شکسته شود. این واقعیت گواهی است بر این که چرا اصلاحات پروتستانی در نوسازی اروپای غربی آنقدر مهم بود و این که چرا در جاهای دیگر وجود چالش‌های مشابه با ارزش‌های سنتی ضروری بوده است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۵۴). تحقیقات انجام شده در این حوزه حاکی از آن است که جوامعی که تاکید نسبتاً شدیدی بر مذهب می‌کنند، همچنین خانواده‌های بزرگ را ترجیح می‌دهند (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۸۵)، هنجارهای سنتی نقش جنسی دارند- از آسیای شرقی تا دنیای اسلام و جامعه غربی- زنان را از اشتغال در بیرون از خانه منع می‌کنند. در واقع تمام جوامع ما قبل صنعتی بر تولد و پرورش کودک به عنوان هدف اصلی هر زن، مهم‌ترین کارکرد او در زندگی و بزرگترین منبع رضایت او، تاکید می‌کردند (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۴۱). خانه‌نشینی زنان و منع شدید روابط جنسی آزاد و غیرمتعارف از معیارهای رایج در همه جوامع سنتی غربی و غیر غربی‌اند. به طور کلی، او جامعه سنتی را جزو جوامع دچار کمپایی می‌داند و معتقد است که تحت شرایط نامانی در این جوامع، مردم جهان بینی را اتخاذ می‌کنند که در برگیرنده نقش‌های جنسیتی سنتی و هنجارهای مذهبی سنتی است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۴۷).

فرآیند مدرنیته، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد، متلاشی می‌کند. پیوندهای جمعی و مشترک گرم و شخصی جایشان را به روابط غیرشخصی و رقابتی در جامعه‌ای می‌دهند که مبتنی بر توفیق شخصی است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۲۳). همان گونه که وبر می‌گوید مشخصه انتقال از جامعه پیش‌صنعتی به جامعه صنعتی، عقلانی شدن فراگیر تمام حوزه‌های جامعه است که تغییر از ارزش‌های سنتی و عموماً مذهبی به سمت ارزش‌های عقلانی را در زندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت (همان: ۵). مولفه‌های کلیدی نوسازی از دیدگاه وبر عبارت بودند از غیر دینی شدن یعنی دنیوی شدن و دیوان‌سالاری.

بن‌مایه نوسازی فرهنگی، گذار از اقتدار سنتی و عموماً مذهبی به سمت اقتدار عقلانی-قانونی بود. همراه با این تغییر، اعتبار و کارکردهای اقتصادی اجتماعی نهادهای اصلی سنتی (خانواده و کلیسا) (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۷۴-۵۳) و ضرورت و اهمیت نقش خانواده نسبت به روزگاران گذشته کمتر شده است.

اگر زمانی خانواده واحد اصلی اقتصاد بود، اما در جوامع پیشرفته صنعتی، زندگی شغلی فرد به طور حیرت‌آوری در بیرون خانه اتفاق می‌افتد. همچنین امروزه آموزش و پرورش اساساً بیرون از خانه صورت می‌پذیرد. علاوه بر این مسئولیت زندگی و بقای شهروندان را دولت رفاه تقبل کرده است. در گذشته زندگی و مرگ فرزندان وابسته به این بود که آیا والدین شان آنها را تامین می‌کنند یا خیر و بقای والدین در زمان پیری وابسته به فرزندان‌شان بود. امروزه اگر چه خانواده هنوز مهم است، اما دیگر به منزله رابطه بین مرگ و زندگی نیست و تا حد زیادی نقش خانواده توسط دولت رفاه ایفا می‌گردد. نسل جدید می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد حتی اگر خانواده تجزیه و منحل شود و یا حتی هیچ یک از والدین در کنار هم نباشند. تحت شرایط معاصر، خانواده تک‌والدی و سالخورده‌گان بدون

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

فرزند، امکانات بسیار بهتری برای ادامه زندگی و بقا نسبت به گذشته در اختیار دارند. دلایل تضعیف هنجارهای حامی خانواده دو والدی متشکل از دو جنس مخالف متعددند: از ظهور دولت رفاه گرفته تا کاهش شدید نرخ مرگ و میر اطفال؛ بدین معنی که زوج دیگر نیازی به داشتن ۴ یا ۵ بچه به منظور بازتولید جمعیت ندارد. این مسائل همگی موجب می شود که اگر دو فرد در قالب زن و شوهر از دو دیدگاه ارزشی سنتی و مدرن تبعیت کنند، خانه را به صحنه منازعات دائمی میان خود تبدیل نمایند.

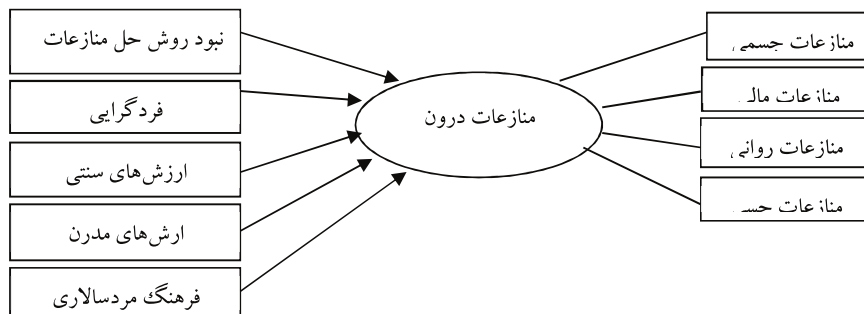
از سوی دیگر، می توان مفهوم منازعات را در دیدگاه تضادگرایان پیگیری نمود. اولین متفکری که پیرامون منازعات و تعارضات به ارائه دیدگاه نظری پرداخته، کارل مارکس است- اما در دوران جدید دیدگاه تضاد را با نوشته های لوئیس کوزر می شناسند. کوزر در کتاب «نظریه تقابل های اجتماعی» به بررسی دیدگاه های زمبل پیرامون تقابل پرداخته است و سعی نموده این دیدگاه ها را بسط دهد. در مجموع کوزر ۱۶ نظریه را از نوشته های زمبل استخراج نموده است که هر کدام از آن ها بخشی از فرآیند تقابل را تبیین می نماید. در این جا فقط به دو مورد از آن ها می پردازیم. نظریه اول بیان می کند که بر اساس نظریه تقابل، می توان از طریق تشدید احساس جدا بودن از سایرین، مرزهای میان گروه ها را در سیستم اجتماعی وضع نمود و بدین وسیله هویت گروهی را در سیستم اجتماعی حاصل آورد. از جانب دیگر، دفع دوسویه از هر دسته و گروهی باعث نگهداری کل سیستم اجتماعی می گردد، چرا که با این وسیله تعادل میان گروه های مختلف موجود در اجتماع به وجود خواهد آمد (کوزر، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶).

به بیان دیگر، تمایز میان ما و دیگران، همه از طریق تقابل حاصل می شود. در توضیح این مطلب می توان بیان داشت که مخالفت و تناقض به همین دلیل می توانند نظامی را برپا نگهدارند، زیرا به این وسیله تعادلی میان اجزای مختلف آن نظام ایجاد می شود. ایجاد چنین حالتی، تداوم و همبستگی میان افراد متعلق به یک گروه یا طبقه یا لایه ای واحد که به وسیله نشان دادن عدم تمایل خود به اعضای گروه دیگر بروز می نماید، موجب می شود که نوعی تضاد همگانی علیه هم در میان اعضای مختلف خرده گروه های اجتماعی و در ارتباط با سایر گروه ها در کل سیستم اجتماعی ایجاد شود که همین امر، زمینه ساز بروز و تداوم سلسه مراتبی از موقعیت های اجتماعی می گردد (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹). از این نگاه منازعات درون خانواده نه تنها کارکرد منفی ندارد، بلکه موجب ایجاد استحکام روابط درون خانواده می شود. به نوعی قدرت درون خانواده با منازعات به صورت سلسله مراتب ظاهر می شود و از همین نقطه است که جایگاه زن و شوهر در خانه و میان اطرافیان مشخص می گردد. نگاه مردسالارانه و یا زن سالارانه حاصل همین حاکمیت سلسله مراتب منازعات درون خانواده است- هر چند امروزه به بحث چندسالاری نیز در درون خانواده اشاره می شود. پس منازعات، حدود قدرت افراد در درون خانواده یا هر گروه اجتماعی را مشخص می کند.

یکی از نظریات دیگری که کوزر در کتاب خود بیان می دارد این است که تقابل اجتماعی در روابطی که آشکار می شود، همیشه مبین کارکردی نامناسب نیست، بلکه گاه وجودش، بقایای آن مجموعه را تضمین می کند. اعضای گروه می توانند بدون امکان اینکه پرخاشگری ها را برضد هم به کار ببرند و از آن ها رهایی یابند و یا آن ها را طرد کنند، در کلیت (سیستم) خود را تحت فشار احساس کنند و ناچار به گوشه عزلت بگریزند، اما زمانی که تقابل،

پرخاشگری‌های انباشته شده را آزاد کند، همزمان انسجام درون گروهی را در این سیستم مجدداً برقرار می‌نماید. سیستم‌های اجتماعی، نهادهای خاصی را ایجاد می‌کنند که کارکردشان منحرف نمودن احساسات خصمانه و پرخاشگرانه است. این نهادها مانند سوپاپ اطمینانی به پایایی سیستم کمک خواهند کرد؛ بدین گونه که یا تقابلی اجتماعی را سد می‌کنند و یا تأثیرات متلاشی‌کننده آن را محدود می‌نمایند. این نهادها عوامل جانشین شونده‌ای را ایجاد می‌کنند که احساسات خصمانه را به خود معطوف نموده و در نهایت زمینه‌ساز امکاناتی جهت تخلیه هیجانی می‌گردند و بدین وسیله این سوپاپ اطمینان سدی خواهد بود بر سر راه بروز پرخاشگری‌هایی که در حقیقت باید به عوامل اصلی بازگردند و به آن‌ها ضربه وارد آورند (کوزر، ۱۳۸۴: ۹۷). همچنان که بیان شد، کوزر برای منازعات کارکرد مثبت در نظر می‌گیرد. خود زیمل هم اشاره می‌کند از دیدگاه او یکی از مباحث اساسی در جامعه‌انسانی بحث منازعات (ستیز) می‌باشد. این مسئله در واقع به علت تنفر، حسادت، نیاز و میل ایجاد می‌شود. از این رو، منازعات نوعی ویژگی دوگانه متباین را در جامعه برطرف می‌کند تا به نوعی وحدت در جامعه دست پیدا نماییم (زیمل، ۱۳۹۹: ۱۸۸-۱۸۷). البته برای این که این کارکرد مثبت ایجاد شود، نوعی مکانیسم برای آن بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که با انباشته شدن عوامل تقابلی در درون خانواده، دو نوع پیامد ایجاد می‌گردد: یا در تقابل پرخاشگری‌ها و زد و خورد این تقابل‌ها و منازعات خود را نشان دهد و یا به صورت عمل نکردن به برخی از وظایف و مقابله کلامی با طرف مقابل در مقابل این منازعات واکنش نشان دهد. مکانیسم‌های جانشین موجب می‌شود که حیات گروه حفظ شود و مانند سوپاپ اطمینان منازعات در درون خانواده عمل کنند. اما اگر این تقابل‌ها به حد بسیار گسترده‌ای رسد، دیگر منازعات از سطح نرم و مقابل به سطح سخت و برخورد افراد خواهد انجامید که ایجاد مسئله می‌کند. از این رو، خود منازعات در این نگاه عامل مشکل‌زایی نیست، بلکه افزایش و عدم تخلیه آن موجب ایجاد آسیب می‌گردد. منازعات در سطح خانواده ریشه‌های مختلفی دارد. از این رو در بحث نظری سعی گردید عوامل مختلفی که ممکن است این وضعیت را در نهاد خانواده ایجاد نماید، توضیح داده شود. اساس بحثی که در این قسمت مطرح گردید. بر مبنای وضعیت اجتماعی و فرهنگی و عوامل مخل در این زمینه‌ها بوده است. هر چند نتایج عوامل اجتماعی در سطح وسیع می‌تواند بر مسائلی دیگری در حوزه نهادهای اقتصادی مرتبط با خانواده نیز تأثیر بگذارد، ولی نظر نویسندگان این است که عوامل فرهنگی و اجتماعی امروزه تأثیر بسیار بیشتری را در منازعات خانواده‌ها دارند. برخی از تحقیقات جاری نیز آن چنان که در قسمت پیشینه به آن اشاره شد این نتیجه و دیدگاه را تأیید می‌کنند پس با توجه به این موارد، متغیرهایی زیر به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر بروز منازعات در خانواده مطرح و در قالب یک مدل مفهومی ارائه می‌گردند.

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)



شکل ۱: مدل مفهومی عوامل موثر بر منازعات درون خانواده

روش شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، از نظر زمانی، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت، پهنانگر است. با توجه به مسئله اصلی مود بررسی در این پژوهش (زوجین دارای تعارض، بنا به تعریفی که در بخش نظری ارائه شد)، در این پژوهش از روش نمونه گیری غیراتفاقی استفاده شده است. برای دسترسی به نمونه ها منطبق با تعاریف تحقیق به سازمان بهزیستی به عنوان یکی از مراکز اصلی پیرامون مسئله مورد تحقیق مراجعه شد و طی ۶ ماه با ۶۰ زوج که دارای تعارض بودند در قالب پرسش نامه محقق ساخته مصاحبه گردید. از آنجا که کلیه نمونه ها مورد بررسی قرار گرفته اند، لذا جامعه آماری و حجم نمونه پژوهش یکسان می باشد. و در قالب نظام تمام شماری، تعداد ۱۲۰ پرسش نامه بین زوجین توزیع گردید.

فرضیه های پژوهش

- میزان فردگرایی مفرط زوجین بر میزان منازعات درون خانواده اثرگذار است.
 - تفاوت نظام ارزشی (مدرن و سنتی) زوجین بر منازعات درون خانواده اثرگذار است.
 - مهارت حل منازعات میان زوجین بر میزان منازعات درون خانواده اثرگذار است.
 - فرهنگ مردسالار در درون خانواده بر میزان منازعات اثرگذار است.
- ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسش نامه بود که پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع آوری داده های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت.
- برای سنجش متغیرهای تحقیق، منازعات درون خانواده چهار بعد (منازعات جسمی، منازعات جنسی، منازعات روانی و منازعات مالی)، فردگرایی، ارزش های سنتی، ارزش های مدرن، نبود روش حل منازعات و فرهنگ مردسالاری از طیف لیکرت در قالب پاسخ های چهار و پنج گزینه ای بسته استفاده گردید. با توجه به اینکه هرکدام از متغیرهای تحقیق با تعدادی سوال بسته مورد سنجش قرار گرفت. سوالات باهم جمع و سازه های جدید شکل گرفت.

جدول ۱: سنجش میزان منازعات خانوادگی و متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	تعداد گویه	سطح سنجش
منازعات درون خانواده	۳۰	طیف لیکرت
منازعات جسمی	۸	
منازعات جنسی	۷	
منازعات روانی	۷	
منازعات مالی	۸	
فردگرایی	۱۲	
ارزش‌های سنتی	۸	
ارزش‌های مدرن	۱۰	
روش حل منازعات	۱۷	
فرهنگ مردسالاری	۸	

داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos تحلیل شدند.

اعتبار پرسش‌نامه تحقیق حاضر از نوع صوری بود و برای سنجش پایایی متغیرها از آلفای کرونباخ استفاده شد. از میان متغیرهای مستقل، متغیر فردگرایی (۰/۸۵) بالاترین میزان آلفا را دارا بوده است و فرهنگ مردسالار (۰/۷۰) کمترین میزان آلفا را دارا بودند. همچنین آلفای متغیر منازعات درون خانواده برابر با ۰/۷۳ بوده است. برای سنجش موضوع مورد تحقیق از طیف‌های مختلفی سوالی جهت بررسی مفاهیم منازعات درون خانواده، فردگرایی، ارزش‌های سنتی، ارزش‌های مدرن، نبود روش حل منازعات و فرهنگ مردسالاری استفاده شده است. بر اساس نظر محققان (کلاتری، ۱۳۹۵). در صورت بیشتر بودن ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷ همبستگی درونی بالایی وجود دارد که در مورد طیف‌های مورد مطالعه بر اساس جدول بالا این امر به ثبوت رسید.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

از مجموع ۱۲۰ پاسخگوی این تحقیق، ۴۰ درصد پاسخگویان سابقه طلاق در خانواده خود داشتند و ۶۰ درصد سابقه طلاق نداشتند. همچنین ۶۶ درصد مردان شاغل و ۳۴ درصد غیر شاغل و در مقابل ۱۳ درصد زنان شاغل و ۷۴ درصد بیکار بودند. از طرفی ۱۱/۰ درصد زنان تحصیلاتی در سطح ابتدایی، ۹ درصد دیپلم نگرفته، ۱۰ درصد دیپلمه، ۵ درصد فوق دیپلم، ۷ درصد لیسانس و ۸ درصد تحصیلاتی در سطح فوق لیسانس و بالاتر داشتند. ۱۵ درصد مردان تحصیلاتی در سطح ابتدایی، ۶ درصد دیپلم نگرفته، ۱۹ درصد دیپلم، ۲ درصد فوق دیپلم، ۴ درصد لیسانس و ۴ درصد تحصیلاتی در سطح فوق لیسانس و بالاتر داشتند.

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

جدول ۲: یافته های توصیفی متغیر وابسته پژوهش و مولفه های آن در پاسخگویان

متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف معیار	کجی	دامنه	حداقل	حداکثر	تی	سطح معنی داری
منازعات درون خانواده	۶۰	۷۰/۳۲	۱۲/۱۵	-۰/۶۹۲	۷۶	۱۹	۹۵	۸۰/۸۹	۰/۰۰۰
منازعات مالی	۱۰	۱۱/۸۳	۲/۲۷	-۰/۱۷۵	۱۲	۶	۱۸	۴۷/۱۷۳	۰/۰۰۰
منازعات جنسی	۱۰	۱۱/۶۹	۳/۰۷	۰/۷۲۶	۱۶	۶	۲۲	۴۱/۶۰	۰/۰۰۰
منازعات روانی	۱۰	۱۲/۵۵	۳/۲۹	۰/۰۶۶	۱۵	۵	۲۰	۴۱/۷۵	۰/۰۰۰
منازعات جسمی	۱۰	۱۵/۹۸	۴/۰۶	-۰/۳۵۹	۲۰	۵	۲۵	۴۳/۰۷	۰/۰۰۰

براساس جدول ۲، میزان منازعات زوجین بر مبنای ابزار به کار رفته در پژوهش در سطح نمونه و جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط است و نتیجه آزمون تی تک نمونه ای با اطمینان ۹۹ درصد آن را تایید می کند. همچنین میانگین واقعی میزان منازعات زوجین (۷۰/۳۲) از میانگین طیف (۶۰) در سطح نمونه و جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط است. نمره بالاتر در مقیاس منازعات نشانگر بالا بودن تعارضات زناشویی است. نتیجه میزان منازعات زوجین متوسط رو به بالا است که نتیجه آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر وابسته تایید گردید. همچنین نتیجه آزمون تی تک نمونه ای نشان داد میانگین استخراج شده مولفه های منازعات مالی (۱۱/۷۳)، منازعات جنسی (۱۱/۶۹)، منازعات روانی (۱۲/۵۵) و منازعات جسمی (۱۵/۹۸) در سطح نمونه و جامعه آماری با اطمینان ۹۹ درصد بالاتر از سطح متوسط است.

جدول ۳: یافته های توصیفی متغیرهای مستقل پژوهش در پاسخگویان

متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف معیار	کجی	دامنه	حداقل	حداکثر	تی	سطح معنی داری
فردگرایی	۳۶	۴۲/۰۲	۶/۸۳	-۰/۲۶۱	۲۹/۰۰	۲۶/۰۰	۵۵/۰۰	۶۱/۴۸	۰/۰۰۰
ارزش های سنتی	۲۰	۲۵/۳۵	۶/۳۱	۰/۲۴۱	۲۹	۱۱	۴۰	۴۰/۱۶	۰/۰۰۰
ارزش های مدرن	۲۵	۳۱/۴۵	۴/۰۴	۰/۳۳۸	۲۰	۲۲	۴۲	۷۷/۶۸	۰/۰۰۰
نبوه روش حل منازعات	۴۲/۵	۶۱/۷۵	۸/۵۰	-۰/۲۳۵	۳۷	۴۲	۷۹	۷۲/۶۳	۰/۰۰۰
فرهنگ مردسالاری	۲۱	۱۸/۲۶	۴/۱۵	۰/۰۲۰	۲۰	۹	۲۹	۴۳/۹۷	۰/۰۰۰

براساس جدول ۳، نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد میانگین استخراج‌شده متغیرهای فردگرایی (۴۲/۰۲)، ارزش‌های مدرن (۳۱/۴۵) و نبود روش حل منازعات (۶۱/۷۵) در سطح نمونه و جامعه آماری با اطمینان ۹۹ درصد بالاتر از سطح متوسط است. از طرفی دیگر متغیرهای ارزش‌های سنتی (۲۵/۳۵) و مردسالاری (۱۸/۲۶) در سطح نمونه و جامعه آماری با اطمینان ۹۹ درصد پایین‌تر از سطح متوسط است.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول ۴: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین منازعات زوجین با متغیرهای پژوهش

منازعات درون خانواده	ارزش‌های مدرن	ارزش‌های سنتی	فردگرایی مفرط	نبود روش حل منازعات	فرهنگ مردسالاری
۱					
ارزش‌های مدرن	۰/۴۴۴***				
ارزش‌های سنتی	-۰/۲۹۹***	۱			
فردگرایی مفرط	۰/۶۸۵***	۰/۴۱۶***	-۰/۳۷۰***	۱	
نبود روش حل منازعات	۰/۵۳۳***	۰/۷۸۶***	-۰/۳۴۷***	۰/۵۲۱***	۱
فرهنگ مردسالاری	۰/۲۵۲*	۰/۱۸۰	-۰/۴۱۰***	-۰/۳۱۴	۰/۲۵۲*

*** معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ * معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

در جدول ۴، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرها بیانگر این است که بین منازعات درون خانواده و میزان فردگرایی مفرط، ارزش‌های مدرن، نبود روش حل منازعات و فرهنگ مردسالاری همبستگی مستقیم مثبت و معنی‌دار و بین منازعات درون خانواده با ارزش‌های سنتی همبستگی معکوس و معنی‌دار وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). براساس یافته‌های جدول ۵، فرضیه اول بیان‌کننده این است که فردگرایی مفرط زوجین بر میزان منازعات درون خانواده براساس میزان ضریب همبستگی پیرسون ($r = ۰/۶۸۵$) و سطح معنی‌داری ($sig = ۰/۰۰۰$) مورد تایید می‌باشد. همچنین فرضیه دوم نشانگر این مطلب می‌باشد که ارزش‌های مدرن زوجین بر میزان منازعات درون خانواده با میزان ($r = ۰/۴۴۴$) و سطح معنی‌داری ($p < ۰/۰۰۱$) پذیرفته شده است. ارزش‌های سنتی زوجین بر میزان منازعات درون خانواده هم در فرضیه سوم با میزان ضریب همبستگی پیرسون ($r = -۰/۲۹۹$) و سطح معنی‌داری ($sig = ۰/۰۰۰$) پذیرفته شد. در واقع، با افزایش ارزش‌های سنتی زوجین منازعات درون خانواده کاسته می‌شود. از طرف دیگر فرضیه چهارم، تاثیر نبود روش حل منازعات میان زوجین بر میزان منازعات درون خانواده براساس ($r = ۰/۵۳۳$) با سطح معنی‌داری ($p < ۰/۰۰۱$) را نشان می‌دهد. در نهایت فرضیه پنجم، تاثیر میزان فرهنگ مردسالاری در درون خانواده بر میزان منازعات میان زوجین خانواده براساس میزان ضریب همبستگی پیرسون برابر ($r = ۰/۲۵۲$) با میزان خطای کمتر

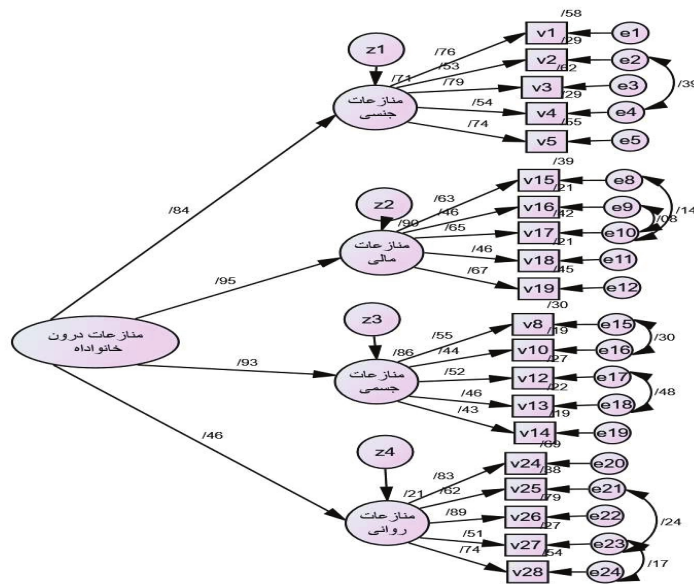
منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

پنج درصد و سطح معنی داری ۹۵ درصد را تایید کرد. بر اساس یافته های جدول مزبور، منازعات زوجین بیشترین و کم ترین همبستگی را به ترتیب با فردگرایی مفرط ($r=0/685$) و فرهنگ مردسالاری ($r=0/252$) دارد. جدول ۵: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد منازعات درون خانواده با متغیرهای پژوهش

ارزش های مدرن	ارزش های سنتی	فردگرایی مفرط	عدم روش حل منازعات	فرهنگ مردسالاری	
۰/۴۴۴**	-۰/۲۹۹**	۰/۶۸۵**	۰/۵۳۳**	۰/۲۵۲*	منازعات درون خانواده
۰/۳۲۷**	-۰/۲۱۱*	۰/۶۸۸**	۰/۵۱۴**	۰/۲۹۰**	منازعات مالی
۰/۴۶۱**	-۰/۲۳۹*	۰/۶۷۳**	۰/۵۳۳**	۰/۲۹۰**	منازعات جنسی
۰/۳۶۶**	-۰/۱۴۳	۰/۴۶۳**	۰/۳۱۷**	۰/۱۰۲	منازعات روانی
۰/۲۵۷**	-۰/۳۸۸**	۰/۳۴۵**	۰/۲۹۸**	۰/۰۹۸	منازعات جسمی
** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ * معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵					

در جدول ۵ نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای بیانگر این است که بین منازعات درون خانواده و ابعاد آن با متغیرهای مستقل میزان فردگرایی مفرط، ارزش های مدرن، نبود روش حل منازعات و فرهنگ مردسالاری همبستگی مستقیم مثبت و معنی دار و بین منازعات درون خانواده با ارزش های سنتی همبستگی معکوس و معنی دار وجود دارد ($p<0/001$). بر اساس یافته های جدول مزبور، منازعات مالی بیشترین و کم ترین همبستگی را به ترتیب با ارزش های مدرن ($r=0/688$) و ارزش های سنتی ($r=-0/211$) دارد. همچنین رابطه بین منازعات روانی با ارزش های سنتی و فرهنگ مردسالاری معنی دار نگردید. همچنین بین منازعات جسمانی با فرهنگ مردسالاری رابطه معناداری گزارش نگردید.

متغیر وابسته این تحقیق (منازعات درون خانواده) به صورت یک مدل اندازه گیری انعکاسی تدوین و برازش شد. نتیجه تحلیل عاملی تأییدی گویه ها نشان داد این گویه ها قادرند ۷۵/۵۲ درصد واریانس متغیر منازعات درون خانواده را تبیین کنند. بارهای عاملی بالای موجود در الگو و میزان واریانس تبیین شده عامل های پنهان در الگو نشان دهنده اعتبار این سازه و قدرت بالای الگو در تبیین واریانس هر بعد از این متغیر است.



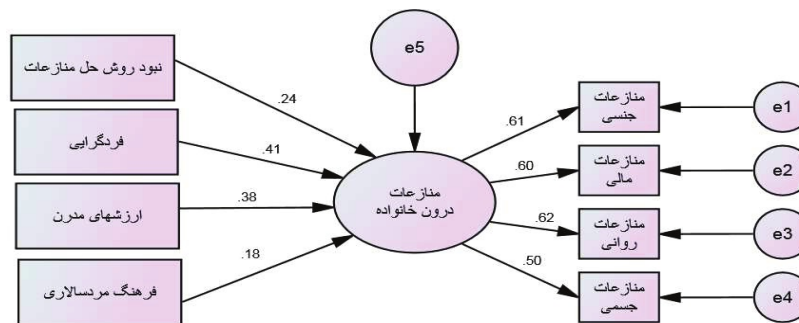
شکل ۲: الگوی ۵ عاملی مرتبه دوم سازه منازعات درون خانواده

جدول ۶: شاخص‌های برازش الگو

شاخص	CMIN/DF	TLI	CFI	PNFI	PCFI	RMSEA
دامنه پذیرش	۱-۵	۰/۹۰-۱	۰/۹۰-۱	۰/۵۰-۱	۰/۵۰-۱	<۰/۰۸
الگو	۳/۲۲	۰/۹۳۸	۰/۹۵۰	۰/۷۳۴	۰/۷۸۳	۰/۰۷۷

در ادامه از مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار آموس استفاده شد. روند کار به این صورت بود که ابتدا الگوی اندازه‌گیری متغیر منازعات درون خانواده براساس نمرات عاملی متغیرهای تشکیل‌دهنده آن محاسبه و برازش آن با استفاده از شاخص‌های اصلاح نرم‌افزار به حداکثر ممکن رسانیده شد. الگوی اندازه‌گیری ابعاد مختلف متغیرهای فردگرایی مغرط، ارزش‌های مدرن، فرهنگ مردسالاری و نبود روش حل منازعات نیز بر اساس گویه‌های موجود در پرسش‌نامه به بهترین برازش ممکن رسید. سپس برای آزمون فرضیه‌ها، روابط ساختاری بین عامل‌های مکنون اندازه‌گیری شدند. در ادامه مدل پژوهش آمده است:

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)



شکل ۳: مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر منازعات درون خانواده

جدول ۷: شاخص های برازش الگو

شاخص	CMIN/DF	TLI	CFI	PNFI	PCFI	RMSEA
دامنه پذیرش	۱-۵	۰/۹۰-۱	۰/۹۰-۱	۰/۵۰-۱	۰/۵۰-۱	۰-۰/۰۸
الگو	۴/۰۷	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۷۳۶	۰/۷۶۵	۰/۰۵۹

شاخص های برازش الگو نشان دهنده برازش مناسب آن هستند. با توجه به اینکه متغیر ارزش های سنتی بر متغیر منازعات درون خانواده تأثیرگذار نبود از مدل حذف گردید. بتای به دست آمده در الگو معنادار بودن اثر فردگرایی مفرط بر منازعات درون خانواده به میزان ۰/۴۱ و سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می شود. همچنین بتای فرهنگ مردسالاری بر منازعات درون خانواده به میزان ۰/۱۸ با سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می شود، از طرفی دیگر بتای ارزش های مدرن بر منازعات درون خانواده به میزان ۰/۳۸ با سطح معنی داری ($p < ۰/۰۰۱$) فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود و در نهایت اثر نبود روش حل منازعات بر منازعات درون خانواده به میزان ۰/۲۴ و سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می شود. با افزایش فردگرایی مفرط، فرهنگ مردسالاری، نبود روش حل منازعات و ارزش های مدرن بر میزان منازعات درون خانواده افزایش می یابد. بر اساس این مدل متغیرهای مستقل ۳۸ درصد تغییرات واریانس منازعات درون خانواده را تبیین می کنند. به بیان دیگر متغیرهای مستقل فقط توانسته اند به اندازه ۳۸ درصد دلیل منازعات را در جامعه آماری مورد تحقیق را مشخص سازند و بقیه عوامل که زمینه ساز این تعارضات است توسط این تحقیق و متغیرهای آن، مورد سنجش واقع نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی عواملی پرداخته شد که بر منازعات درون خانواده تاثیر می‌گذارند. منازعات در این تحقیق در قالب چهار بُعد مورد مطالعه قرار گرفت. مهم‌ترین بُعد به لحاظ تاثیرگذاری بر منازعات، بُعد منازعات روانی بود (م.ش مدل ۲). بر اساس یافته‌های این پژوهش بیشترین عامل منازعات که بر زوجین تاثیر می‌گذارد، منازعات روانی است. اضطراب و اجتناب از عواملی است که بر وضعیت وقوع منازعات روانی در درون خانواده تاثیر می‌گذارد و تاثیر منفی خاصی نیز بر روابط زوجین بر جا می‌نهد. در برخی از تحقیقات (پلوکین^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ پلوکین و همکاران، ۲۰۱۴) مشخص شده است که منازعات روانی به صورت گسترده بر روی روابط جنسی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی خانواده، تاثیر منفی می‌گذارد. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که در برخی از تحقیقات، ریشه بالای ۷۰ درصد از منازعات زوجین را مشکلات آنان در روابط جنسی بیان کرده‌اند (رحمانی و دیگران، ۱۳۸۹). بر اساس تحقیق حاضر می‌توان گفت مشکلات در روابط جنسی نوعی متغیر میانجی است که به واسطه متغیر منازعات روانی در درون خانواده ایجاد می‌شود. این وضعیت تا جایی ادامه پیدا می‌کند که موجب طلاق گرفتن زوجین از یکدیگر می‌شود. به بیان دیگر، منازعات روانی دارای تاثیرات گسترده در سطح روابط میان فردی در میان زوجین است.

یکی از عوامل مهم در منازعات میان زوجین، منازعات مالی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بُعد منازعات روانی بیشترین میزان تاثیرگذاری را در میان متغیرهای مورد بررسی مربوط به منازعات مالی داراست - در تحقیقات دیگر نیز اثرگذاری منازعات مالی بر ساختار کلی منازعات در روابط بین زوجین به تایید رسیده است (هالیدی و لوکاس^۲، ۲۰۱۰). با توجه به وضعیت اقتصادی، از یک سو و نگاه سنتی به نقش مرد در خانواده می‌توان این وضعیت را مورد توجه قرار داد. عواملی همچون بحران‌های اقتصادی، تورم و بیکار شدن مرد، از عواملی است که در ایجاد چنین منازعاتی در درون خانواده نقش تعیین کننده‌ای دارد.

یکی از متغیرهای مهم تاثیرگذار بر روی منازعات درون خانواده، بحث تغییر نگرش‌ها و ارزش‌هاست. در جامعه مدرن بیشتر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر نوعی نگاه فردگرایانه است. به همین دلیل در این پژوهش هم بر اساس مدل ۲ می‌توان تاثیر گسترده ارزش‌های مدرن و به تبع آن فرگرایی را بر منازعات مشاهده نمود که با تعدادی از تحقیقات هم‌پوشانی دارد (کرمانی و دیگران، ۱۳۹۷؛ ذهبی و دیگران، ۱۳۹۵). این یافته نشان دهنده این نکته است که میان نگاه سنتی و مدرن و همچنین میان جهت‌گیری جمع‌گرایانه و فردگرایان در میان زوجین اختلاف معناداری وجود دارد. در برخی از تحقیقات گزارش شده (رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴، مسعودی اصل و راد، ۱۳۹۵ و فرهمند و توانگر، ۱۳۹۷) تفاوت‌های ارزشی حاصل نوع رفتار متفاوت زنان نسبت به مردان است؛ به صورتی که زنان به واسطه تغییر فضای حاکم بر روابط اجتماعی امروزه می‌توانند بر اساس نظرات شخصی خود دست به انتخاب همسر بزنند و

¹ Péloquin

² Halliday & Lucas

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

نوع رابط آنان با جنس مخالف دیگر تابع نوعی خاصی از رفتار نیست. امروزه در میان دختران الگوهای مختلفی در زمینه انتخاب همسر و هم چنین انتظارات مختلف از همسر وجود دارد که چندان سنخیتی با ارزش های سنتی ندارد. این در حالی است که در میان مردان همچنان نگاه سنتی به نقششان در جامعه ادامه دارد و این امر وقتی در حوزه مهم ترین نهاده اجتماعی (خانواده) متبلور می شود، این تضاد ارزشی و به تبع آن تضاد نقشی، به ایجاد منازعات میان زوجین خواهد انجامید. از همین روست که کمترین میزان تاثیرگذاری بر روی منازعات از سمت متغیرهای مستقل در این مطالعه مربوط به فرهنگ مردسالاری است.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق بیان کننده این مسئله است که زوجین دارای توانمندی لازم در زمینه حل منازعات زناشویی نیستند. در تحقیقات مختلف این مسئله به اثبات رسیده است که منازعات زناشویی در اغلب اوقات به واسطه عدم توانایی در حل منازعات و بر اساس نداشتن ارتباطات صحیح میان زوجین اتفاق می افتد. در این تحقیق هم عدم توانایی زوجین در حل منازعات از متغیرهای مهم تاثیرگذار بر روی منازعات بوده و این یافته با نتایج برخی از تحقیقات دیگر هم سو است (آگاروال^۱ و همکاران، ۲۰۱۷ و برغندان^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، تحقیقات نشان داده است که یادگیری مهارت های ارتباطی لازم از سوی زوجین، میزان تعارضات آنان را کاهش می دهد و موجب می شود که زوجینی که در آستانه طلاق هستند پس از به کارگیری توانایی های ارتباطی در زمینه حل منازعات بتوانند به زندگی در کنار هم ادامه بدهند (بولاندا^۳ و همکاران، ۲۰۱۶).

یافته های این تحقیق نشان گر آن است که در جامعه آماری مورد مطالعه با تغییر شرایط فرهنگی در جامعه با نوعی تغییر فرهنگ و ارزش مواجه هستیم که این فرهنگ و ارزش به موازات عدم آموزش صحیح ارتباطات میان فردی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجب می شود که سطح منازعات در درون خانواده های مورد مطالعه افزایش یابد و به یک بحران تبدیل شود که هستی خانواده را تهدید می نماید.

مهمترین محدودیت ها در انجام این پژوهش عبارت بود از:

- عدم همکاری پاسخگویان با محقق در مورد پژوهش؛
- ناپایداری و عدم توجه به مسائل ناشی از منازعات در خانواده از طرف اعضای خانواده؛
- منازعات را به معنای طلاق گرفتن در خانواده دانستن و مابقی رفتارها و کنش ها را مورد توجه قرار ندادن.

پیشنهادهای

- ۱- انجام تحقیقات کیفی برای مشخص شدن سطح مختلف متغیرهایی مانند منازعات اقتصادی و منازعات فرهنگی و ارزشی؛
- ۲- توجه به متغیرهای دیگری که می تواند در زمینه منازعات درون خانواده تاثیرگذار باشد مانند مناطق سکونتی افراد، ارتباطات قبل از ازدواج، سوگیری های قبل از ازدواج و....؛

¹ Aggarwal

² Barghndan

³ Bulanda

- ۳- توجه به تغییرات نسلی در پژوهش‌های آتی و تفاوت‌هایی که این تغییرات نسلی ایجاد می‌کند؛
- ۴- بررسی نگاه افراد به کارکردهای خانواده، و بازتعریف کارکرد خانواده با توجه به تغییرات که می‌توان نگاه جدیدتری به منازعات درون خانواده بدهد؛
- ۵- انجام پژوهش‌های سالیانه در مورد منازعات و مشخص نمودن وضعیت متغیرهای تأثیرگذار برای برنامه‌ریزی مقابله با آسیب‌های اجتماعی در کشور؛
- ۶- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مورد روابط میان فردی زوجین؛
- ۷- توجه قانون‌گذاران به ابعاد منازعات در خانواده؛
- ۸- توجه به قانون تعالی خانواده و ارائه آموزش در سطح آموزش و پرورش؛
- ۹- رفع مشکلات اقتصادی خانواده‌ها در سطح کلان؛
- ۱۰- رسیدگی سریع به منازعات به صورت حل و فصل در سطح شوراهای حل اختلاف.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت
- آفاجانی، حسینعلی. (۱۳۸۸). اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده. رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب‌های جامعه‌ای. تهران: انتشارات رسانه تخصصی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- بابایی، انسیه. (۱۳۹۷). «پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی». روان پرستاری. دوره ۶، شماره ۵، صص ۱۶-۲۳.
- بلالی، اسماعیل؛ بختیاری سفر، زهره؛ محمدی، اکرم و محقق، حسین. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر تضاد نقش‌های زنان و رابطه آن با تعارضات خانوادگی در شهر همدان». جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۷، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- توسلی، افسانه و طاهری، نرگس (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اختلاف‌ها و تعارضات اقتصادی زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران». فصل‌نامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۶۵-۳۹۰.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. باقر پرهام، انتشارات کتاب‌سرای بابل
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷). بی‌هنجاری و خودکشی در دل کوزر و روزنبرگ: نظریه‌های بنیاد جامعه‌شناختی. فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). خودکشی. نادر سالارزاده. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- ذهبی، عاطفه؛ عالی‌نژاد، مهدی و فرهنگ، مهناز. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین جهان-محلی شدن با فردگرایی و جمع‌گرایی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه یزد)». مجله مطالعات میان فرهنگی. دوره ۱۱، شماره ۳۰، صص ۱۱۹-۱۴۷.
- رازقی، نادر و اسلامی، اصلی. (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده». فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. دوره ۳۲، صص ۵۲-۷۲.
- رحمانی، اعظم؛ صادقی، نرجس؛ اله قلی، لیلا و مرقاتی خویی، غفت السادات. (۱۳۸۹). «ارتباط رضایت جنسی با عوامل فردی در زوجین». مجله پرستاری ایران. دوره ۲۳، شماره ۶۶، صص ۱۴-۲۲.
- زارتسکی، ابیلای. (۱۳۹۰). سرمایه داری، خانواده و زندگی شخصی. منیره نجم عراقی. تهران: نشر نی
- زیمل، گئورگ. (۱۳۹۹). درباره فردیت و فرم‌های اجتماع. شهناز مسمی پرست. چاپ سوم، تهران: ثالث

منازعات خانوادگی در میان زوج های جوان (بررسی هنجارهای متعارض)

- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش)
- فرهنگ، مهناز و توانگر، معصومه. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه پویایی هویت زنانه و تعارضات زناشویی (مورد مطالعه: زنان ساکن یزد)». جامعه‌شناسی کاربردی اصفهان. دوره ۲۹، شماره ۷۱، صص ۱۵۷-۱۸۰.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات اقتصاد، جامع و فرهنگ (قدرت هویت). احمد علی‌قلیان و افشین خاکباز. چاپ ششم، تهران: طرح نو
- کلاتری، خلیل. (۱۳۹۵). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار spss. تهران: فرهنگ صبا
- کرمانی، مهدی؛ اصغرپورماسوله، احمدرضا و برادران کاشانی، زهرا. (۱۳۹۷). «همسرگزینی دختران جوان: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی». مجله خانواده پژوهی. دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۳۰۳-۳۲۶.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۴). نظریه تقابل‌های اجتماعی. عبدالرضا نواح. اهواز: انتشارات ریش
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). تجدد و تشخیص. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- له‌مان، جنیفر. (۱۳۸۵). ساخت‌شکنی دورکیم، نقدی پساساختارگرایانه. شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر نی
- مرادی، رامین. (۱۴۰۰). «تحلیل سیاست‌های فرهنگی خانواده در ایران پس از انقلاب». فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات. دوره ۲۲، شماره ۵۳، صص ۲۲۳-۲۴۸.
- مرتن، رابرت گینگ. (۱۳۹۰). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی. نوین تولایی. چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- مسعودی اصل، شبنم، و راد، فیروز. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز». مطالعات جامعه‌شناسی. دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۴۷-۶۸.
- نجمه، حمید؛ ابافت، حمیده و بنی‌طی، عباس. (۱۳۹۷). «تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله مذهب محور بر رضایت زناشویی زنان در آستانه طلاق». مجله مطالعات زن و خانواده. دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۹۵.
- هوشمند، رودابه؛ احمدی، خدابخش و کیامش، علیرضا. (۱۳۹۸). «تحلیلی بر علل تعارضات زناشویی در دو دهه اخیر (یک مرور نظام‌مند)». مجله علوم روانشناختی. دوره ۷۹، شماره ۱۸، صص ۸۱۹-۸۲۸.
- Aggarwal, S., Kataria, D., & Prasad, S. (2017). "A comparative study of quality of life and marital satisfaction in patients with depression and their spouses". Asian journal of psychiatry, 30, 65-70.
- Ahmadi, K., Mahdi Nabipoor Ashrafi, S., Ali Kimiaee, S., & Afzali, M. H. (2010). "Effect of family problem-solving on marital satisfaction". Journal of applied sciences, 10(8), 682-687.
- Hamilton, K. A. (2013). The effects of marital conflict and marital environment on change in marital status.
- Barghndan, M., Anaiaty, M. and Mehrabizadeh, M. (2009). "Effectiveness of problem-solving training on general health and marital satisfaction of spouses of male employees of gambling industry". Magazine of New Findings in Psychology, 96-107.
- Bulanda, J. R., Brown J. S. and Yamashita, T. (2016). "Marital quality, marital dissolution and mortality risk during the later life course". Social Science and Medicine, 165: 119-127.
- Halliday Hardie, J., & Lucas, A. (2010). "Economic factors and relationship quality among young couples: Comparing cohabitation and marriage". Journal of Marriage and Family, 72(5), 1141-1154.
- Hawkins, A. J., Willoughby, B. J., & Doherty, W. J. (2012). "Reasons for divorce and openness to marital reconciliation". Journal of Divorce & Remarriage, 53(6), 453-463.
- Inglehart, R. (1997). "Modernization and Post modernization: Cultural Economic and Political Change in 43 Societies", Princeton University Press.

- Kellerhals, J., Widmer, E.D (2016) **The Blackwell Encyclopedia of Sociology**. Edited by George Ritzer. John Wiley & Sons, Ltd. Published by John Wiley & Sons, Ltd.
- Mestrovic, S. G., & Lorenzo, R. (2008). **“Durkheim's concept of anomie and the abuse at Abu Ghraib”**. Journal of Classical Sociology, 8(2), 179-207.
- Péloquin, K., Brassard, A., Delisle, G., & Bédard, M. M. (2013). **“Integrating the attachment, caregiving, and sexual systems into the understanding of sexual satisfaction”**. Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement, 45(3), 185- 195.
- Péloquin, K., Brassard, A., Delisle, G., & Bédard, M. M. (2013). **“Integrating the attachment, caregiving, and sexual systems into the understanding of sexual satisfaction”**. Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement, 45(3), 185.
- Péloquin, K., Brassard, A., Lafontaine, M. F., & Shaver, P. R. (2014). **“Sexuality examined through the lens of attachment theory: Attachment, caregiving, and sexual satisfaction”**. The Journal of Sex Research, 51(5), 561-576.
- Tomas, M.C. (2013). **“Reviewing Family Studies: A Brief Comment on Selected Topics”**. R. bras.Est. Pop; Rio de Janeiro, v. 30, n. 1, p.171-198.
- Widmer, E., Kellerhals, J., & Levy, R. (2004). **“Types of conjugal networks, conjugal conflict and conjugal quality”**. European Sociological Review, 20(1), 63-77.
- Delatorre, M. Z., & Wagner, A. (2018). **Marital conflict management of married men and women**. Psico-usf, 23, 229-240.
- Salinger, J. M., Whisman, M. A., Randall, A. K., & Hilpert, P. (2020). **“Associations between Marital Discord and Depressive Symptoms: A Cross-Cultural Analysis”**. In *Family Process* (Vol. 60, Issue 2, pp. 493–506). Wiley.
- Salinger, J. M., & Whisman, M. A. (2021). **“Marital dissolution, marital discord, and C-reactive protein: Results from The Irish Longitudinal Study on Ageing”**. In *Health Psychology* (Vol. 40, Issue 7, pp. 459–467). American Psychological Association (APA).